

## نظم عمومی و حقوق مالکیت ادبی و هنری

محمد جلالی<sup>۱</sup>

لادن حیدری<sup>۲</sup>

### چکیده

حقوق مالکیت ادبی و هنری به دلیل ارتباط گسترده‌ای که با طبع هنرمند و خلاق انسان دارد، یکی از نیازهای طبیعی و یک ضرورت اجتماعی بدون جایگزین برای زندگی بشری محسوب می‌شود. زندگی اجتماعی و نیاز به تولید و داد و ستد محصولات و مصنوعات هنری و ادبی، انسان‌ها را به برقراری روابط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی سوق می‌دهد. در این زمینه دولت‌ها به عنوان نماینده ملت‌ها برای برقراری و حفظ این رابطه نیازمند ایجاد قواعدی برای حسن اداره امور، تنظیم روابط اجتماعی، تعیین و اعلام حقوق و تکالیف آنان و سرانجام صیانت از حقوق و آزادی‌های فردی و نظم عمومی می‌باشند. از مهم‌ترین وظایفی که بر عهده دولت‌ها گزارده شده است؛ تنظیم و توازن این حقوق و آزادی‌ها و حفظ عناصر کلیدی حیات اجتماعی همچون نظم، امنیت، آرامش، سلامتی و نفع عامه است. جانبداری بی‌رویه دولت‌ها از هریک از این عناصر یا حقوق می‌تواند به تضییع حقوق افراد یا متزلزل نمودن پایه‌های حیاتی یک حکومت بیانجامد. از این رو تبیین هریک از این حقوق و تضمین آن‌ها و در مقابل، ارائه تعریف مشخص از مقوله‌های تضمین‌گر زندگی اجتماعی از جمله نظم عمومی و نفع عمومی می‌تواند چاره‌ای بر رفع چالش‌های پیش روی دولت‌ها باشد.

### واژگان کلیدی

نظم عمومی، نفع عمومی، حقوق مالکیت ادبی و هنری، امنیت، حمایت و محدودیت

۱. استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)  
LadanH.1978@yahoo.com

## مقدمه

رشد روزافزون علم و تکنولوژی، حقوق مالکیت ادبی و هنری را یکی از نیازهای جوامع انسانی نموده و آن را به «ارکان ضروری برای توسعه و تعالی هر جامعه» (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) تبدیل کرده است. انسان برای بقا در این جامعه و استمرار زندگی اجتماعی خویش به تنظیم روابط، تشخیص حقوق و تثبیت آزادی‌هایش نیازمند است. از این رو برقراری یک زندگی اجتماعی متعادل که دربردارنده جمیع حقوق و آزادی‌ها بوده برای انتفاع افراد، مستلزم سازمان‌دهی مناسب این نوع از زندگی می‌باشد. در واقع انسان‌ها با برگزیدن این شیوه زندگی، وجود سازوکارهای تحدید و تضمین حقوق و آزادی‌های خود را به طور همزمان پذیرفته‌اند. سازوکارهایی که با استقرار قواعد و مقررات مدون، نظام حقوقی را برای تنظیم روابط و ارتقای جایگاه حقوق و آزادی‌های فردی شکل می‌دهند. از جمله حقوق و آزادی‌های مدرن، حقوق مالکیت ادبی و هنری است که عمر چندانی از استقرار و به رسمیت شناختن آن نمی‌گذرد. این دسته از حقوق که به حمایت از خالق اثر ادبی و هنری برمی‌خیزد، برای او و فکر خلاقش، حقوقی را پیش‌بینی می‌نماید که آن را نه به عنوان حقوق مطلق و بی‌قید و شرط، بلکه به عنوان حداقل‌های حقوق اساسی بشری می‌داند. حقوق مالکیت ادبی و هنری همچون سایر حقوق نیازمند پادرمیانی دولت‌ها برای به رسمیت‌شناختن و تضمین آن و همچنین تنظیم قواعد و مقررات ناظر بر این اقدامات می‌باشد.

دولت‌ها در مطالبه عمومی این حمایت‌ها، موظف به احصای این حقوق و حمایت از آن‌ها شده‌اند تا آنجا که این موضوع در بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد تأکید قرار گرفته است<sup>۱</sup> و در همین راستا در قوانین و مقررات داخلی کشورها نیز این دسته از حقوق به رسمیت شناخته شده است.

این بُعد از حمایت را می‌توان تکلیفی بر دولت‌ها دانست، اما واقعیت این است که وظیفه دولت‌ها فراتر از شناسایی و تضمین برخی از حقوق است. وجود یک اقتدار مرکزی برای تمشیت بهتر امور جامعه و بهبود روابط انسانی برای حفظ حقوق و آزادی‌های بشر

لازم و اساسی است. پیش‌بینی نهادها و هنجارهای مؤثر در تأمین امنیت، آرامش، سلامت، نفع عامه و رعایت اخلاق حسنه به عنوان عناصر پایه نظم عمومی برای دستیابی به جامعه متعالی و حکمرانی مؤثر، وظیفه کلیدی دولت‌هاست.

اگرچه تعریف نظم عمومی<sup>۲</sup> به دلیل سیال بودن این مفهوم و نگرش‌های متفاوت به دلیل معیارها، ارزش‌ها و منافع فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بشردوستانه در خصوص نظم عمومی، نه تنها در حقوق بین‌الملل، بلکه در حقوق داخلی امری دشوار می‌نماید، اما واقعیت این است که عدم ارائه تعریف و تعیین حدود نظم عمومی، آثاری زیانبار به ویژه برای حقوق اساسی شهروندان در پی دارد. نظم عمومی «سامانه‌ای است که قانونگذار با الهام از هنجارهای جمعی و با توسل به مقوله منافع عمومی و مصالح اجتماعی و بر پایه عرف جامعه نسبت به وضع قواعد الزام‌آور ایجابی یا محدودکننده بر حقوق، آزادی و حاکمیت اراده اشخاص مبادرت می‌نماید و به منظور صیانت از تأسیسات حقوقی، اخلاق حسنه یا کیان اخلاقی افراد و جامعه مقرر داشته تا با تضمین‌های حقوقی بر اجرای آن‌ها نظارت نماید.» (مدنیان، ۱۳۹۱ ش). تأمین نظم برای تضمین حقوق و آزادی‌های اعطاشده نیازمند تبیین وظایف دولت‌ها و وضع قواعد خاص بوده و در نهایت در مفهومی به نام حقوق عمومی مستقر است. حقوق عمومی با عینیت‌بخشیدن به عناصر حیات اجتماعی و با وضع قواعد و مقررات به اعمال و قدرت دولت مشروعیت می‌بخشد تا دستیابی به حقوق و آزادی‌ها به عنوان ضرورت‌های غیر قابل انکار، سریع‌تر و آسان‌تر میسر گردد و در قالب قوانین و مقررات از طغیان طبع سرکش دولت در اعمال فشار و محدودیت نابجا و غیر لازم جلوگیری به عمل آورد. فارغ از اختلاف نظرهای اساسی در زمینه اولویت فرد یا جامعه، باید «نظم عمومی» را لازمه حیات اجتماعی دانسته و آن را مجموعه قواعد مربوط به حسن جریان امور کشور برای حفظ و ارتقای امنیت، رفاه، سلامتی و منفعت عمومی بدانیم. برقراری نظم اجتماعی بر اساس مؤلفه‌های خاص و بعضاً نامعین، در مواردی به روابط و فعالیت تولیدکنندگان آثار ادبی و هنری کمک نموده و برای حمایت از این فعالان و آثار آن‌ها و با استمداد از قوانین، به ارتقای

تولید و فرهنگ و بهره‌وری در قالب اعطای برخی امتیازات و تضمین آن‌ها تلاش می‌نماید. در این معادله، اعطای حمایت فقط از کرم دولتمردان سرچشمه نگرفته، بلکه علاوه بر مطالبه پدیدآورندگان، دستیابی به حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حکومت‌ها در سایه‌سار حفظ و ارتقای امنیت، سلامت، آرامش، و منفعت جامعه در گرو شناسایی این حقوق و تلاش برای ارتقای آن‌هاست. واقعیت غیر قابل انکار دیگر آن است که به منظور گسترش نظم در جامعه، وجود آزادی و رشد استعدادها و خدادادی بشر برای تعالی و قرب او به مقصد غایی آفرینش امری لازم است، اما در تلاقی این آزادی‌ها و حقوق مسلم با نظم عمومی به عنوان «مدلول مقرراتی که در آن ذات، حیثیت و منافع مادی و معنوی جامعه باید مورد حمایت جدی قرار گیرد»، (هاشمی، ۱۳۸۴ ش.) دیگر از گسترش بی‌قید و شرط آزادی‌ها نمی‌توان سخن گفت، چراکه آزادی بدون حد و مرز به هرج و مرج می‌انجامد و قدرت بدون کنترل تمایل به استبداد را افزایش می‌دهد.

در این مقاله سعی بر آن است تا در ساختار پیش رو و در قسمت اول به بررسی دلایل لزوم حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری برای استقرار نظم عمومی پرداخته و در قسمت دوم دلایل چالش‌برانگیزی که منجر به عدم حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری از منظر نظم عمومی می‌گردد مورد بررسی قرار گیرد.

### الف: نظم عمومی و حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری

از انگیزه‌های خالقان آثار برای خلق بیشتر و بهتر آثار آن است که دیگران بدون هزینه و اجازه، ماحصل زحماتشان را به تاراج نبرند. حتی اگر در این میان بپذیریم که برخی از خالقان آثار، نه برای «خدمت به خلق» بلکه برای دستیابی به منافع اقتصادی به تولید اثر پرداخته‌اند، بازهم برای ارج نهادن به خلاقیت‌های بشری و دستیابی به پشتوانه‌های علمی و نهایتاً تبدیل آن‌ها به ابزار مبادلات اقتصادی، باید همه پدیدآورندگان را مورد حمایت قرار داد.

## ۱- دلایل حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری

لزوم ایجاد انگیزه در تولیدکنندگان و ارتقای سطح تولید جوامع بشری، کشورهای توسعه‌یافته را به اعمال حمایت‌های بیشتری از پدیدآورندگان و آثارشان واداشت تا در عرصه بین‌المللی و با حضور و بروز وسایل ارتباط جمعی، هم حق خالقان را ادا کنند و هم در کنار آن‌ها به منافع خود دست یابند. آنچه که حمایت جوامع را از حقوق پدیدآورندگان بیش از پیش ضروری می‌نماید، خدمات حقوق مالکیت ادبی و هنری به سایرین و جوامع است که می‌توان آن‌ها را در چند مؤلفه بررسی نمود.

### ۱-۱- ارتقای سطح آگاهی‌های عمومی و دسترسی به اطلاعات

وجود آثاری که در آن‌ها اندیشه و اطلاعات مفیدی نهفته است موجبات رشد و ترقی معلومات بهره‌گیران را فراهم می‌آورد و از سوی دیگر به تولید آثاری می‌انجامد که بر اساس آثار اولیه یا با تکمیل و ارتقای آن‌ها خلق شده‌اند. این تعامل اندیشه که مجدداً آثاری را در دسترس دیگران قرار می‌دهد همچون زنجیره‌ای است که حلقه‌های به هم متصل آن، به استحکام یک جامعه مدرن و متعالی منجر می‌گردد. آنچه که در این تبادل اطلاعات رخ می‌دهد «رونق اندیشه‌های تازه و خلاق و قابل دسترس بودن تنوعی از آثار حامل فکر و نظر» (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴ ش.) می‌باشد که نتیجه آن بهبود سطح علمی افراد خواهد بود. از این منظر می‌توان «توزیع هرچه وسیع‌تر اطلاعات در سطح جامعه را برای فراهم‌آوردن امکان مشارکت شهروندان در فعالیت‌های اجتماعی، از جمله پیش‌شرط‌ها و شاخصه‌های تحقق دموکراسی دانست. در واقع هر قدر دموکراسی‌ها فراگیرتر و مشارکتی‌تر می‌شوند، به همان میزان بر کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس شهروندان افزوده می‌شود و متقابلاً هر قدر بر کمیت و کیفیت اطلاعات در دسترس شهروندان افزوده می‌شود، دموکراسی‌ها فراگیرتر و مشارکتی‌تر می‌شوند.» (نمک‌دوست تهرانی، ۱۳۸۲ ش.)

حقوق مالکیت ادبی و هنری، به دستیابی و تحقق برخی از حقوق و آزادی‌های انسانی که به عنوان حقوق اساسی بشر در قوانین داخلی و برخی هم در قوانین و کنوانسیون‌های بین‌المللی مورد تأکید فراوان قرار گرفته‌اند، کمک می‌نماید. انتشار آثار و

در معرض استفاده عموم قرار گرفتن آن‌ها به دسترسی افراد به اطلاعات مندرج در آثار می‌انجامد که می‌تواند بر اساس تحقیقات و پژوهش‌های اندیشمندان به دست‌آمده یا یافته‌های نوینی باشد که دانشمندان به آن‌ها دست یافته‌اند و ماحصل آن را در اثر خود گنجانده‌اند.

دسترسی و دستیابی به اطلاعات، رمز موفقیت جوامعی است که به دنبال استقلال بوده و با داعیه آزاداندیشی برای نشر و گسترش علم و اندیشه تلاش می‌کنند. هرچه که اطلاعات به صورت مبنایی و در سطوح مختلف جامعه پخش گردد، ماحصل افکار و بازتاب اندیشه‌ها، نردبانی است که دیدگاه انسان‌ها را تعالی بخشیده و درهای معرفت را به روی آن‌ها خواهدگشود.

آنچه که امروزه به عنوان نتیجه این آزادی تعامل اندیشه‌ها و آرا از آن نام برده می‌شود، آزاداندیشی است که در پی آن دستیابی به دسته‌ای از حقوق میسر خواهد شد. این حقوق که با اجرای کپی‌رایت قابل حصول می‌باشند عبارتند از: ۱- آزادی بیان؛ ۲- آزادی آموزش و پرورش؛ ۳- آزادی اخبار و اطلاعات؛ ۴- آزادی نمایش. (قاضی شریعت‌پناهی، ۱۳۹۰ ش.) حقوق مذکور به انحای مختلف در قوانین کشورها مورد توجه قرار گرفته‌اند، شاید مهم‌ترین دلیل ذکر و تأکید این حقوق در قوانین اساسی کشورهای جهان، آن است که «دولت‌ها نتوانند با قوانین عادی یا تصمیمات سیاسی آزادی‌های مذکور را تحت‌الشعاع قرار دهند.» (بیتانه، ۱۳۸۰ ش.)

ذکر این نکته ضروری است که همه حقوق پیش گفته، در زمره حقوق بنیادین نیستند و حتی وجود محدودیت‌هایی بر این حقوق نیز از منظر جوامع بین‌المللی پذیرفته شده است، چراکه بسیاری از این حقوق نه تنها برای صرفه و صلاح دولت‌ها بلکه برای دستیابی به نظم، آرامش و برقراری حقوق افراد نمی‌توانند مطلق باشند و به طور طبیعی تحت‌الشعاع سایر حقوق انسانی قرار خواهند گرفت. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز حقوق و آزادی‌های فردی را در یک فصل مجزا تحت عنوان «حقوق ملت» مورد حمایت قرار داده است.

## ۲-۱- ارتقای فرهنگ

فرهنگ از بنیادی‌ترین امور جامعه است که منعکس‌کننده نظام سیاسی، تاریخی و اجتماعی هر جامعه می‌باشد، هم به زندگی خصوصی و هم اجتماعی اشخاص نگاه می‌دارد و هم این که سرگذشت و سرانجام بسیاری از حقوق انسانی را نمایانگر می‌سازد. در مقدمه اعلامیه جهانی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی، فرهنگ را مجموعه‌ای از شاخصه‌های معنوی، مادی، عقلی و احساسی که معرفی‌کننده یک جامعه یا گروهی اجتماعی است، دانسته که علاوه بر هنر و ادبیات، متضمن سبک زندگی، شیوه زیست جمعی، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و اعتقادات است.

با استقرار کپی‌رایت و با تبادل نظرات و اندیشه‌ها و یا قرارگرفتن سبک‌های جدیدی از هنر در اختیار و دسترس عموم، روش و منش انسان‌ها در زندگی تغییر یافته و به شیوه‌های بهتری از زندگی دست می‌یابند.

بالارفتن سطح فرهنگی، بازتاب دسترنج پدیدآورندگان است که به جامعه ارائه شده و سایرین با بهره‌گیری از هنر و اندیشه و زحمات آن‌ها توانسته‌اند به رفتار سنجیده‌تری برسند یا سطح اندیشه و نگاه خود بر موضوعات پیرامون را ارتقا ببخشند. اگرچه افزایش آگاهی و همچنین فرهنگ که منجر به ارتقای سطح علم و زندگی جوامع می‌باشد خود دربردارنده بهبود سطح رفاه، سلامتی و امنیت نیز می‌شود، اما با توجه به لزوم تبیین خدمات کپی‌رایت همچنان به بررسی سایر خدمات می‌پردازیم.

## ۳-۱- ارتقای امنیت

«فقدان تهدید» یا «به حداقل رساندن تهدیدهای اجتماعی» (بیتانه، ۱۳۸۰ ش.) را به عنوان یک مفهوم قابل قبول از امنیت و به عنوان یکی از مؤلفه‌های اقتدار عمومی و یک وظیفه دوسو برای دولت و مردم می‌توان پذیرفت. در جوامع امروزی امنیت جانی، امنیت اموال، امنیت بهداشت، تأمین اجتماعی، حمایت از مصرف‌کننده و زیست جزء حداقل مطالبات اجتماعی انسان‌ها محسوب می‌شود. در جمع‌بندی نهایی می‌توان امنیت را وضعیت مطلوبی<sup>۳</sup> در نظر گرفت که در آن ضمن اطمینان خاطر از عدم تعرض به حقوق

و آزادی‌های فردی، زمینه‌ای فراهم شود تا در فضایی منطقی پیوسته این حقوق بهبود یابد. (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۰ ش.)

ایجاد آرامش فکری و روانی که به ثبات اجتماعی و فرهنگی منتهی می‌شود یکی از مهم‌ترین ضروریات حیات اجتماعی است، چراکه «از نظر منطقی و بنا به تجربه، آرامش و ایمنی، لازمه فعالیت مفید، مؤثر و پیش برنده است.» (درّی نوگرانی، ۱۳۸۸ ش.) از کم‌ترین اثرات حفظ و رعایت حقوق خالقان اثر، دسترسی به تکنولوژی و علم روز است. وقتی که خالقان آثار، به تولید اثرهای بدیع دست می‌زنند و دسترسی افراد یک جامعه را به اطلاعات مربوط به آن اثر امکان‌پذیر می‌سازند، موجبات رشد و پیشرفت علمی و تکنولوژیکی و نهایتاً ارتقای سطح فرهنگی و اجتماعی جامعه را فراهم می‌نمایند. کم‌ترین دستاورد این محاسبه، پیشرفت جامعه، افزایش سطح تولید، افزایش سطح رفاه، افزایش علم و... است. وجود این مؤلفه‌ها منجر به امنیت روانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی یک جامعه و نهایتاً امنیت فردی پدیدآورنده می‌شود. «امنیت فردی به عنوان حق اساسی، وضعیت و حالتی است که در آن انسان قادر به بهره‌مندی از مزایا و مواهب حیات باشد. در این راه باید تمامیت وجود او مصون از هر نوع تعرض باشد و برای بهره‌مندی شایسته از حقوق فردی، زمینه ارتقای آن فراهم شود.» (علیزاده و همکاران، ۱۳۹۰ ش.)

با توجه به این که حفظ امنیت درونی (فکری) موجبات ایجاد امنیت برونی (اجتماعی) را فراهم می‌سازد، از مهم‌ترین اثرهایی که حقوق مالکیت ادبی و هنری می‌تواند در پی داشته باشد افزایش سطح آگاهی و اعتماد به نفس اشخاص است. آنچه که به عنوان یک حق بشری در ماده ۱۳ (امنیت شخصی) و ۲۲ (امنیت اجتماعی) اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده (۹-۱) میثاق بین‌المللی حقوق مدنی سیاسی ذکر شده است، با حقوق مالکیت ادبی و هنری و با لزوم امانتداری آثار ارائه‌شده از یکسو و حفظ شأن اجتماعی و هنری خالق آثار و حفظ کرامت و ارزش انسانی او و همچنین حفظ حرمت اثر خلق‌شده‌اش ارتباط تنگاتنگی دارد.



با ذکر خدمات نظام کپی‌رایت به دولت‌ها و افراد تحت حمایت آن‌ها، لزوم ارتقای حقوق مالکیت ادبی و هنری برای دستیابی به ارکان نظم عمومی بروز و ظهور کامل‌تری یافت.

## ۲- انواع حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری

حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری از جمله حقوقی است که به لحاظ رخنه آن در جامعه نه تنها دامنه شمول دارندگان این حقوق را بسیار وسیع نموده است، بلکه بهره‌گیران این حقوق، از جمله دولت‌ها و عموم افراد مصرف‌کننده نیز به نوعی در این رابطه مبتلا به آن می‌باشند. در این میان دولت‌ها به عنوان مجریان حق و عدالت و قانون مداری وظایف سنگینی را برای پیشبرد اهداف علمی، فرهنگی و هنری جامعه و دستیابی به سود عام یا حمایت ویژه از گروهی خاص را عهده‌دار بوده‌اند. در یک نگاه کلی اقدامات دولت‌ها در دو بعد سلبی به معنای خودداری دولت از مداخله در بهره‌مندی تولیدکنندگان آثار از حقوق خود و یا عدم حمایت از نقض حقوق و تعرض و خدشه به حقوق آن‌ها، یا ایجابی شامل تمهید امکان برخورداری از حقوق و یا تأمین شرایط لازم برای اعمال یا اجرای این حقوق قابل احصا است.

### ۲-۱- اقدامات و وظایف دولت‌ها

اولین رکنی که به عنوان مقدمه حمایت در یک جامعه می‌توان برشمرد، پیش‌بینی قوانین و مقررات جامع و ضمانت اجراهای آن و انتشار این قوانین و مقررات و در دسترس قرار دادن اطلاعات مربوط به نحوه حفظ و تأمین حقوق پدیدآورندگان می‌باشد. ولی ذکر این نکته ضروری است که این مقدمه خود متأثر از سایر اقداماتی است که شاید مهم‌تر و یا هم‌شأن رکن اول اقدام دولت‌ها می‌باشد.

اقداماتی همچون ترویج فرهنگ خلق و بهره‌برداری قانونمند آثار از طریق اطلاع‌رسانی، فرهنگ‌سازی، آموزش تولید هنر و علم با احترام به حقوق دارندگان حق و تقویت حضور خالقان در بخش‌های غیر دولتی، ایجاد زیرساخت‌های نهادی برای حمایت، تقویت و اعمال حقوق مادی و معنوی پدیدآورندگان آثار از جمله ایجاد ادارات و نهادها، پیش‌بینی

و تخصیص بودجه لازم برای تولید و جلب مشارکت افراد جامعه در خلق آثار مورد نیاز، فراهم‌نمودن شرایط و وسایل دسترسی خالقان و هنرمندان و علما به ابزار، وسایل و اطلاعات لازم، حفظ و حراست آثاری که به دلیل انقضای مدت حمایت آن‌ها در حوزه عمومی مورد استفاده قرار می‌گیرند، حمایت مالی از اشخاص حقوقی به ویژه سازمان‌های مردم‌نهاد یا خصوصی فعال در انجام امور ادبی و هنری و همچنین حمایت از سازمان‌ها و مؤسساتی که به حفظ و ارتقای حقوق خالقان آثار می‌پردازند، کسب نظر از هنرمندان و جلب مشارکت از صاحبان قلم و اندیشه در فرآیندهای تصمیم‌گیری، وضع قوانین و مقررات مربوط، تأمین سطح کافی معیشتی و رفاهی تولیدکنندگان آثار، خریداری و نشر آثار جهت ارتقای سطح فعالیت‌های فرهنگی و هنری، استقرار فناوری‌های نوین خلق، توزیع و نشر آثار ادبی و هنری، به رسمیت‌شناختن آزادی خلق، تولید، توزیع و نشر آثار و حمایت و تقویت این آزادی، پیش‌بینی حداقل حمایت در سطح بین‌المللی برای حفظ و ارتقای جایگاه پدیدآورندگان آثار در مجامع بین‌المللی را می‌توان عنوان نمود.

خودداری دولت‌ها از مداخله و ایجاد مانع برای خلق آثار یا بهره‌مندی تولیدکنندگان آثار ادبی و هنری از حقوق مادی و معنوی ناشی از تولیدات آن‌ها و همچنین حذف موانع و مقررات سخت و زائد برای تولید آثار ادبی و هنری، حذف تبعیض‌های ناروا، محدودیت و ممنوعیت‌های زائد و انطباق محدودیت‌های وارد بر حقوق پدیدآورندگان با شرایط و نیازهای روز جامعه، خودداری از مداخله دولت‌ها در نحوه بهره‌برداری از آثار و همچنین بهره‌برداری بدون اجازه خود دولت‌ها، خودداری از خدشه، سانسور، تحریف، دستکاری یا هرگونه تغییر و تعدیل آثار که موجبات لطمه به حیثیت و آبروی خالق اثر را پدید آورد را می‌توان به عنوان اقدامات سلبی دولت‌ها برشمرد. (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴ ش.)

## ۲-۲- حمایت‌های مقرر در قوانین و مقررات ملی و بین‌المللی

مواردی که از آن‌ها می‌توان عنوان به «حمایت» یاد کرد و به طور رسمی در قوانین ملی و بین‌المللی نیز پذیرفته شده‌اند، در زمره امتیازهای اعطایی محسوب می‌شوند که به عنوان مثال می‌توان به گستره وسیع آثار مورد حمایت، پیش‌بینی حقوق انحصاری برای پدیدآورنده و ثبت اثر اشاره نمود. این که بسیاری از آثار ادبی و هنری را مشمول حمایت قرار داده و خالقان آن‌ها را از امتیازات قانونی بهره‌مند سازیم یکی از مواردی است که طی سال‌های متمادی و با ظهور فناوری‌های نوین بر تعداد آن افزوده شده است. با لحاظ نقائص موجود در حوزه تعریف و گستره آثار باید بپذیریم که موارد برشمرده شده در حوزه کپی‌رایت، مواردی است که تقریباً همه آفرینش‌های ادبی و هنری را دربر می‌گیرد، لکن اگر آثار مورد حمایت به صورت نمونه و تمثیلی ذکر شوند، خلأ حاصل از پیشرفت‌های تکنولوژی یا خلق آثار جدید را تحت پوشش قرار داده و دولت‌ها می‌توانند در مقام قانونگذاری یا حمایت و با توجه به نیاز جوامع دایره شمول آثار را گسترده‌تر نمایند.

بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر و بند ۱ ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن بر حقوق معنوی مؤلفان تأکید بسیاری نموده‌اند. این دست از حمایت‌ها در حقوق مالکیت ادبی و هنری با رویکردهای متفاوتی برای حمایت و تشریفات آن اتخاذ شده است.

## ۳- غیر تشریفاتی بودن حمایت

رویکردهای متفاوتی برای حمایت از یک آفریده فکری در سطح کشورها حداقل از حیث تشریفات اتخاذ شده است.

در کشورهایی همچون ایران و فرانسه «حمایت قانونی تابع هیچ تشریفاتی نیست.» (کلمبه، ۱۳۹۰ ش.) اگرچه این حکم در مورد قوانین حوزه حق مؤلف در ایران مطلق نیست، چراکه مطالعه قوانین و مقررات ایران در زمینه حق مؤلف حاکی از آن است که مقنن ایرانی به ترتیب از سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۹ رفتارهای متفاوتی در خصوص تشریفات حمایت از آثار با توجه به نوع اثر از خود نشان داده به نحوی که در مجموع می‌توان گفت قوانین

و مقررات ایران در زمینه انجام یا عدم انجام تشریفات به عنوان شرط حمایت، هماهنگ نیستند. (زرکلام، ۱۳۸۷ ش.) در ماده ۲۱ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان سال ۱۳۴۸، ثبت اثر جنبه اختیاری دارد و شرط حمایت از اثر نیز نمی‌باشد، اما در قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای سال ۱۳۷۹، اخذ تأییدیه فنی نرم‌افزار به صراحت شرط حمایت عنوان شده است. فارغ از برخی شروط برای امکان اقامه دعوا که دست کمی از تشریفات ثبت در سایر کشورها ندارد، شرط دیگری علاوه بر تأییدیه فنی جهت ثبت نرم‌افزار وجود دارد و آن هم بررسی اثر توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از حیث اخلاق اسلامی، عفت عمومی و سلامت شخصیت کودکان و نوجوانان است. این تناقض‌ها و رویه‌های متفاوت نیازمند تجدید نظر قانونگذاران می‌باشد.

### ب: نظم عمومی و محدودیت حقوق مالکیت ادبی و هنری

برقراری نظم عمومی همیشه مستلزم حمایت از همه حقوق افراد نیست، دستیابی به این اصل مهم در موارد بسیاری در تضاد و تقابل با حقوق متعلق به اشخاص یا گروه‌های خاص قرار می‌گیرد.

#### ۱- دلایل محدودیت از منظر نظم عمومی

اعمال حقوقی ناشی از مالکیت ادبی و هنری و گستره آن موضوعی است که از زمان به رسمیت‌شناختن این حقوق مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. همان‌گونه که در دلایل حمایت از پدیدآورنده و اثر ناشی از خلاقیت فکری و هنری او، منفعت و مصلحت عامه را دلیل حمایت و حفظ حقوق وی برشمردیم باید در مورد محدوده اعمال حق و این‌که آیا این حق مطلق است یا می‌توان با قیودی آن را محدود نمود نیز تأمل نمود.

#### ۱-۱- تلاش برای حفظ منافع عمومی

اگر با اعطای حقوق انحصاری به پدیدآورنده، امکان استفاده از اثر وی را برای همیشه و از همگان سلب نماییم، پس هرگز نباید منتظر خلق آثار هنری و علمی و ادبی و رواج آن در جوامع باشیم، چراکه در مواجهه حقوق پدیدآورنده و حقوق و منافع عامه،

حق آموزش، حق دسترسی آزاد به اطلاعات، حق آزادی بیان و... عملاً قابل اعمال نبوده و امکان دسترسی عموم مردم به آثار فقط منوط به خواست و اراده پدیدآورنده می‌گردد. فارغ از این که هر مالک به واسطه اراده و اختیار خود می‌تواند اعمال حقوق ناشی از مال خود را محدود نماید و یا در مصاف امور اجتماعی وی داوطلب اعمال محدودیت بر حقوق خودش می‌گردد، در برخی از موارد محدودیت‌هایی بر حق وی وارد می‌شود که به اراده و میل او نمی‌باشد، اغلب این محدودیت‌ها در قوانین و مقررات به ویژه قانون اساسی کشورها قابل رؤیت است. قانون اساسی ایران که بر موازین اسلامی نیز استوار می‌باشد از این اصل مستثنی نبوده و در اصل چهلیم و بر اساس قاعده فقهی «لاضرر و لاضرار فی الاسلام»، اعمال حق افراد را تا زمان عدم ورود اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی ممکن می‌داند. رعایت قاعده لاضرر مانع از این شده است که صاحب حق و مالک بتوانند بدون توجه به حقوق دیگران تصرفاتی در مال خود بکنند و این اصل که مالکیت در مرحله ایجاد فردی است و در مرحله اجرا اجتماعی است در تمامی قوانین متبلور است. (صوفی، ۱۳۸۹ ش.)

حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری نیز از مقوله موازنه نفع عموم و نفع فردی مستثنی نبوده و به منظور حفظ منافع عمومی در برخی عرصه‌ها و به سود این منافع دچار محدودیت‌ها و استثناهایی نیز می‌گردد. هدف از وضع این استثنائات در قوانین داخلی و مقررات بین‌المللی همان موازنه‌ای است که دولت‌ها برای حفظ حقوق خالقان آثار و با هدف رشد و تعالی جوامع به آن نیازمند بوده‌اند. بهتر آنست که قبل از قائل شدن انواع این استثنائات و محدودیت‌ها به این اندیشید که آنچه که در این موازنه حاصل می‌شود آیا به تضییع و نادیده گرفتن حقوق پدیدآورنده می‌انجامد؟ آیا بدون قید و شرط باید آثاری را حمایت نمود یا امکان بهره‌برداری آزادانه از آثار را به بهانه امنیت، آرامش، بهداشت، آزادی بیان و اندیشه، حق دسترسی به اطلاعات و عفت و اخلاق حسنه فراهم نمود؟! (این عبارت قدری ابهام دارد) و یا این که در قوانین و مقررات برای این محدودیت‌ها معیارهایی نیز اندیشیده شده است!

## ۲-۱- تلاش برای استقرار نظم عمومی

آنچه که به عنوان حق پدیدآورنده در حفظ اثر و استفاده از منافع آن، به عنوان یک حق بشری قید شده است، مستلزم تعهداتی است که دولت‌ها در احترام، حمایت و اجرای این حق در قبال خالقان آثار عهده‌دار هستند. این تکلیف دولت‌ها در چارچوب از پیش تعیین شده‌ای که بخش مهمی از آن را قانون تشکیل می‌دهد و بخش دیگر را عرف، گنجانده می‌شود. یکی از ارکان تشکیل‌دهنده چارچوب معین حمایتی دولتی عدم خدشه به نظم عمومی است، دولت به عنوان نماینده شهروندان وظیفه نظارت و حمایت از آزادی‌های افراد و حفظ امنیت و آرامش و سلامت را بر عهده دارد. نظم عمومی را شاید نتوان به مصداق به طور شایسته برشمرد، اما واقعیت این است که آنچه که از تعریف نظم عمومی و محمل آن و اخلاق حسنه و بایدها و نبایدهای وجدانی ذکر می‌شود، همه و همه معیارهایی است برای تشخیص این نظم. حفظ منافع عمومی در مقابل منافع فردی پدیدآورندگان، شرط اولیه استقرار امنیت و نظم در جامعه است. بر همین تعبیر حفظ مالکیت و محترم‌شمردن آن، عدم ورود ضرر به سایرین، حفظ و استقرار امنیت و رفاه عمومی و نهایتاً دستیابی به منافع عمومی از اصول اولیه وظایف دولت‌ها و شهروندان است. با این توصیف «ارتباط نظم عمومی با منافع و مصالح عالی و بنیادی جامعه» (کاتوزیان، ۱۳۷۹ ش.) چنان است که همبستگی کاملی با نیازهای عمومی جامعه دارد.

در این میان از مواردی که در چالش مستقیم با حقوق مالکیت ادبی و هنری قرار می‌گیرد، تعارض آزادی بیان با این دست از حقوق است. بدین معنا که اگر در یک اثر محتوا، تصویر و یا علائمی بکار گرفته شود که از نظر دولت، مخالفت صریح یا ضمنی با اخلاق حسنه، نظم، امنیت، سلامت و آرامش جامعه داشته باشد آیا زمامداران و دولت می‌توانند از اجرای حق آزادی بیان، آزادی عقیده یا آزادی نمایش او ممانعت به عمل آورند؟ آزادی قبل از این که یک پدیده اجتماعی و سیاسی و قراردادی بین مردم و حکومت باشد پدیده فطری و انسانی است، (ایزادیار، ۱۳۷۹ ش.) ولی بهره‌مندی همگان از

این آزادی‌ها باید در چارچوب مشخص و معینی باشد که نتواند مانعی بر آزادی دیگران به وجود آورد. تعیین چارچوب و قلمرو حقوق و آزادی‌های افراد را «عنصر اقتدار عمومی» (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۰ ش.) بر عهده دارد.

ضمن این که تأکید بر جایگاه اقتدار عمومی نباید به نفعی یا تضعیف منزلت حقوق و آزادی‌ها بیانجامد (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۰ ش.) و از سوی دیگر تضمین حقوق و آزادی‌ها را نباید به معنای مطلق بودن آن‌ها در نظر گرفت. (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۰ ش.) بر همین اساس در نگرش حقوقی، اغلب حق‌ها و آزادی‌ها در برخورد با مفاهیمی چون نظم عمومی یا سود همگانی یا در مقام تعارض با حق یا آزادی دیگران از قابلیت نسبی شدن برخوردارند (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۰ ش.) و آزادی و حق خلق اثر ادبی و هنری و به نمایش گذاشتن آن یا عرضه و ارائه آن در جامعه نیز از این نسبت دور نیست، چراکه این آزادی اگر از حدود مقرر خویش خارج شود و به تعرض به حقوق دیگران بپردازد یا مبانی اعتقادی افراد را به سخره بگیرد و یا این که «امنیت و هویت فرهنگی را زیر سؤال ببرد و یا ریشه نهادهای اساسی سیاسی کشور را بزند و از این قبیل، نظم عمومی عاملی در جهت حراست از بقا و سلامت آن‌هاست، چراکه این‌گونه بیانات، تأثیرات ویرانگری بر بنیان‌های اجتماعی و فرهنگی و سیاسی یک ملت که با هویت و موجودیت آن ملت سروکار دارند می‌گذارد.» (خلخالی، ۱۳۷۹ ش.)

بر همین اساس و در اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز اضرار به دیگران یا تجاوز به منافع عمومی حتی با استناد به حق اشخاص غیر ممکن و ممنوع است. این موضوع علاوه بر اصل چهلم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، در ماده ۴ اعلامیه حقوق بشر سال ۱۷۸۹ فرانسه تصریح شده است که، آزادی عبارت از اختیاری و توانایی در هر امری است که نسبت به حقوق دیگران زیان‌آور نباشد. بنابراین استفاده هر شخص از حقوق طبیعی تا حدی است که، اعضای دیگر جماعت بتوانند از حقوق طبیعی خودشان بهره‌مند شوند. این حقوق را فقط قانون تعیین می‌کند. در این ماده تصریح شده است که حدود و قیود آزادی را قانون تعیین می‌کند. مقصود از قانون در این ماده

این است که حدود مزبور، توسط قوه مقننه با رعایت تشریفات و شرایط مقرر معلوم می‌گردد و این قانون باید مشتمل بر دستورهای کلی و عمومی باشد، نه این که اشخاص معینه و یا موارد خصوصی در نظر گرفته شده باشد، لذا از این جهات مسلم است که حدود قیود آزادی، باید به موجب قانون، ضمن دستورهای کلی و عمومی آن هم به منظور حمایت از حقوق منافع مردم معین شوند و نسبت بر عموم نیز یکسان باشند. این امر نتیجه اصل رعایت قانون است. هر قانون که در تضمین حدود آزادی یکی از شرایط مزبور را فاقد شود، برخلاف قاعده حقوقی و نامشروع خواهد بود. (جوان، ۱۳۲۵ ش.)

بند ۲ ماده ۲۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز قانون محدودکننده آزادی بیان و عقیده را در صورتی که منحصر به منظور تأمین شناسایی و مراعات حقوق و آزادی‌های دیگران و برای مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی شرایط یک جامعه دموکراتیک وضع گردیده است را به رسمیت و مشروع می‌شناسد. این خود نشان می‌دهد که آزادی بیان مطلق نیست و تحت شرایطی می‌تواند، بلکه باید محدود شود از نظر ما این شرایط، یعنی مراعات آزادی دیگران و مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی در واقع مقتضیات اصل عمومیت آزادی هستند. به عبارت دیگر همه این محدودیت‌ها به منظور تأمین حداکثر آزادی و عدم محدودیت با حداکثر عمومیت، وضع می‌شوند. اقتضای عمومیت آزادی است که محدودیت نسبت به آن را توجیه می‌کند و نه چیز دیگر. (خلخالی، ۱۳۷۹ ش.)

اگرچه رابطه نظم عمومی و آزادی را در این بحث به عنوان دو مقوله اجتماعی کاملاً به هم مرتبط، به طور محض باید در گرو نوع حکومت‌ها دانست و به غیر از این انتظار نداشت که حکومت‌های توتالیتر و استبدادی، آزادی افراد را به بهانه‌های مختلف سلب کنند و بر همین اساس نظم عمومی وسیله حفظ و ارتقای قدرت حکمرانان شده و این نظم صرفاً در نظرات و سلیقه‌های آنان معنا یابد و در مقابل حکومت‌های مبتنی بر دموکراسی را جز با احترام به آزادی عقیده افراد نشناخت، لیکن باید پذیرفت که با همه اوصاف شرط بقا و دوام یک حکومت، استقرار نظم و امنیت در آن است که با همه انواع



حکومت باید بر آن بود که به استقرار همان نظم و امنیت در چارچوب «قانون» رضایت داد.

هیچ شکی نیست که اعمال بی‌قید و بند حقوق خالقان آثار از دسترسی آزادانه اشخاص به اطلاعات و اندیشه‌های مندرج در آن‌ها جلوگیری می‌نماید و در تعارض با آزادی بیان نیز قرار می‌گیرد. این عدم دسترسی به آثار هم بر سطح علم و آموزش و به تبع آن سلامت (پیشگیری از بیماری‌ها)، پیشرفت و امنیت کشور تأثیرات سوئی خواهد داشت.

اگرچه این اعتقاد همچنان پابرجاست که هدف حمایت از حقوق پدیدآورنده، گسترش و ارتقای خلاقیت و اشاعه آزادی بیان است، چراکه با حمایت از آفرینش‌های پدیدآورندگان، انگیزه خلق اثر دوچندان شده و در سایه همین اعتماد، امنیت روانی برای خالقان بیشتر از پیش می‌گردد. از این رو بدون حمایت، بیانی باقی نمی‌ماند و بدون بیان، آزادی بیانی هم در میان نخواهد بود، اما ایجاد حقوق انحصاری و مطلق برای پدیدآورندگان خود مایه تزلزل آزادی بیان است، این واقعیت را حمایت‌گران نیز فهمیده و برای آن نیز راهکاری اندیشیده‌اند، هم آزادی بیان و هم حقوق پدیدآورندگان در موازنه قابل قبولی در مقابل منفعت، از موضع خود کوتاه آمده و آزادی بیان پذیرفته است که در مقابل حقوق معقول و در عین حال انحصاری پدیدآورنده با صلح و سازش به حیات خود ادامه دهد و پدیدآورندگان نیز پذیرفته‌اند که حمایت مطلق نه تنها منفعتی برای آن‌ها ندارد، بلکه خلق مجدد آثار را برای ایشان دشوار خواهد کرد. از این رو استثناهایی برای عدم حمایت و محدودیت‌هایی برای تقلیل حمایت را گردن نهاده‌اند. راهکار دیگری که در این زمینه پیش روی آزادی بیان نهاده‌اند تفکیک بین اندیشه و بیان آن در نظام حقوق مالکیت ادبی و هنری است. آنچه که در این نظام مورد حمایت قرار می‌گیرد بیان اندیشه است و نه خود اندیشه. ماده ۱ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان<sup>۴</sup> و بند ۲ ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس به طور رسمی و صریح حمایت از اثر به عنوان بیان اندیشه و نه خود اندیشه را در عرصه ملی و بین‌المللی متذکر شده‌اند.

علت حمایت‌نکردن کپی‌رایت از صرف اندیشه در واقع به خاطر همین است که پدیدآورندگان، اندیشه‌های خود را در دسترس آزاد عموم قراردهند تا بتواند برای پیشرفت فکری بشر مورد استفاده قرار گیرد، اما این قاعده بسیار کلی است و معلوم نیست با چه معیاری باید اندیشه و بیان را در یک اثر از هم جدا کرد. تشخیص این امر به عهده دادگاه‌های یک کشور است. (حبیبی مجنده، ۱۳۸۴ ش.)

از این رو در بهره‌گیری دیگران از اندیشه‌های مطرح در اثر، مانعی وجود ندارد و این باب از تعارض تا حدود زیادی مرتفع گردیده است.

### ۳-۱- تلاش برای حفظ و ارتقای حق دسترسی به اطلاعات

اما با نگاهی به حقوق انحصاری کپی‌رایت شاید بتوان حق دسترسی به اطلاعات را که دربردارنده آگاهی، امنیت، سطح تعلیم و تربیت، سلامتی و بهداشت و... نیز می‌باشد را در تعارض با حقوق پدیدآورنده دانست. اگرچه جواز استفاده رایگان توسط اعمال حقوق خالقان آثار از دیگران سلب می‌شود، اما این حق نیز نافی پرداخت هزینه زحمات پدیدآورنده نمی‌تواند باشد و از همین رو پرداخت هزینه قابل قبول از سوی بهره‌گیران و اعمال برخی محدودیت‌ها به نفع افشار آسیب‌پذیر و اندیشمندان، راه حل مسالمت‌آمیز زیست حق مالکیت ادبی و هنری و حق دسترسی به اطلاعات است.

گاه مصالح و منافع عمومی اقتضا می‌کند که اموال فکری حتی بدون جلب رضایت مالکان آن‌ها مورد استفاده قرارگیرند. البته این امر تنها در مورد برخی از مصادیق مالکیت فکری و آن هم تحت شرایط خاصی مصداق می‌یابد. استفاده‌های مزبور ممکن است به صورت جزئی و به گونه‌ای باشد که ضرر قابل‌اعتنایی را متوجه صاحب اثر فکری ننماید. در چنین مواردی قوانین کشورها معمولاً استفاده از اثر را بدون این‌که نیازمند کسب مجوز خاص از مالک یا مراجع قانونی باشد مجاز می‌شمارند، اما گاه استفاده از اثر شکل وسیع‌تری دارد و به زیان مالک است. با این اوصاف مصالح عمومی و منافع جامعه اقتضا می‌کند که علیرغم میل مالک اثر مزبور، مورد بهره‌برداری قرارگیرد. در چنین مواردی عموماً اجازه مراجع قانونی جایگزین اجازه مالک می‌شود. با این حال

چنین استفاده‌ای جنبه استثنائی دارد و باید با رعایت حقوق مالک صورت پذیرد.  
(خدمتگزار، ۱۳۹۰ ش.)

## ۲- انواع محدودیت حقوق مالکیت ادبی و هنری

عده‌ای معتقدند که اثری که در حدود مقرر در موازین دینی، اخلاقی نبوده و مغایر با نظم عمومی جامعه خلق شده است قابلیت مال‌بودن را نداشته و شاید اصلاً اثر نامیده نشود و از این رو حمایت‌هایی که قانونگذار برای آثاری که در راستای موازین و همسو با نظم عمومی (سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و...) خلق شده، قائل است را بر این آثار نمی‌توان بار نمود و این‌گونه تولیدات به استثنائات برشمرد شده اضافه می‌گردند. از سوی دیگر عده‌ای حق پدیدآورنده را قابل تحدید دانسته، اما امکان سلب آن حق را میسر نمی‌دانند. در این رویکرد معتقدند که آنچه که قوانین ملی و بین‌المللی از گردونه حمایت خارج کرده‌اند (همچون اخبار و اطلاعات، متون قانونی و رسمی) هرگز وارد چرخه حق مؤلف نشده و نمی‌شوند، در حالی که اثری که مغایر نظم عمومی است را می‌توان اثر نامید، اما باید حمایت‌ها را به طور مضیق‌تر به وی اعطا نمود. حقوق مالکیت ادبی و هنری همزمان با محدود نمودن حدود خویش، بر نوعی از استفاده تحت عنوان «استفاده منصفانه» تأکید نموده و در ایجاد توازن و رفع نگرانی تولیدکنندگان آثار گام مؤثری را برداشته است. برخی از استثنائات و محدودیت‌هایی که قوانین و مقررات به منظور دستیابی به منافع عمومی و استقرار نظم در مقابله با انحصارگرایی خالقان آثار اندیشیده‌اند را می‌توان در دو گروه محدودیت‌ها بر حمایت از حقوق پدیدآورنده و استثنائاتی بر حمایت از حقوق پدیدآورنده اشاره نمود. (شاکری، ۱۳۸۹ ش.) در این میان علاوه بر قوانین داخلی اسناد بین‌المللی نیز به عنوان «مکانیزمی برای ارتقای حقوق بشر»<sup>۵</sup>، برای دولت‌ها نوعی از «استقلال در اجازه برای اتخاذ تصمیم»<sup>۶</sup> را در مورد استثنائات تجویز نموده‌اند.

در موضوع پیش‌بینی استثنائات حمایتی توسط دولت‌ها برخی موارد از جمله نقل قول، استفاده برای اهداف آموزشی و علمی، استفاده از مقالات در روزنامه‌ها و نشریه‌های

ادواری و استفاه از آثار با اهداف گزارشی و اطلاع‌رسانی عمومی، استفاده از آثار در گزارش وقایع اخیر، استفاده از سخنرانی‌ها و کنفرانس‌ها از محدوده حمایت مستثنی شده‌اند.

شناختن حقوق خالقان آثار و احترام به این حقوق به عنوان یکی از عناصری که به تقویت «نظم عمومی» می‌پردازد همواره مورد تأکید می‌باشد، اما واقعیت این است که بعضاً دارنده حق، از بهره‌مندی سایرین جلوگیری به عمل آورده و از حق پیش‌بینی شده سوء استفاده می‌نماید و عرضه تولید فکری‌اش را محدود می‌نماید و یا این‌که اگر در مواردی منفعت جمعی ایجاد کند که محصول مورد حمایت، بدون اجازه دارنده حق و در ازای عوض عادلانه به میزان مورد نیاز در اختیار افراد جامعه قرار گیرد، باید چنین کرد و این اقدام، راهکاری ضروری است که اهداف مورد نظر در اعطای حمایت به آثار فکری و نیز منافع جمعی را تأمین می‌کند. این راهکار به مجوز اجباری<sup>۷</sup> بهره‌برداری موسوم است. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) مجوز اجباری خود یکی از استثنائات وارد بر حقوق خالق مال فکری محسوب می‌شود، اما به دلیل اهمیت و همچنین وظیفه‌ای که دولت در تشخیص، تعیین و اعمال آن بر عهده دارد به طور مجزا در این موضوع ذکر گردید. صدور این مجوز به عنوان ابزار حاکمیتی دولت برای حفظ نظم عمومی را بر دو مبنا می‌توان جستجو نمود: ۱- نظریه منفعت عمومی؛ ۲- منع سوء استفاده از حق. (صادقی و همکاران، ۱۳۸۶ ش.) صدور مجوزهای اجباری در پخش آثار رادیویی، ضبط موقت آثار رادیویی و برای کشورهای در حال توسعه پیش‌بینی شده است. (شاکری، ۱۳۸۹ ش.)<sup>۸</sup>

استقرار «منافع عمومی» و حفظ آن به عنوان «غایت تمام اعمال زمامداران و مقامات اداری» (گرگی ازندریانی و همکاران، ۱۳۹۰ ش.) اولویت اولی است که خودبخود «حمایت از حق‌های فردی از جمله حقوق آفرینندگان آثار ادبی و هنری» (گرگی ازندریانی، ۱۳۹۰ ش.) را در دل دارد، اما نکته اساسی اینجاست که با وجود همه استثنائات فوق آیا دولت‌ها می‌توانند به منظور حفظ نظم عمومی و رعایت اخلاق حسنه، اشخاصی را از داشتن این حقوق محروم نمایند؟ یا این‌که دولت‌ها در نظارت‌های به‌عمل‌آمده و با

توجه به سیال بودن معنای نظم عمومی و اخلاق حسنه از اعمال هر یک از حقوق خالقان اثر ممانعت به عمل آورند؟ پاسخ به این سؤالات نیازمند بررسی تأثیر تولید، توزیع و انتشار آثار مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه در جامعه است که در مباحث آتی به آن خواهیم پرداخت وقتی صحبت از حمایت به میان می‌آید اولین چیزی که بیشتر به ذهن متبادر می‌شود، حمایت‌های مادی اعم از پرداخت یارانه، حمایت‌های مالی یا حمایت‌هایی که دولت برای اهداف خاص اقتصادی از تولیدکنندگان، صادرکنندگان و... به عمل می‌آورد، است، اما همان‌گونه که پیش‌تر نیز آمد، حمایت‌هایی که قانون حمایت حقوق پدیدآورندگان از خالقان یک اثر به عمل می‌آورد همان امتیازاتی است که قانونگذار برای شناسایی و تضمین آن‌ها به رسمیت شناخته است. این امتیازات در حمایت از پدیدآورنده و در به رسمیت شناختن اثر وی به عنوان یک مخلوق فکری که در مالکیت خالق اثر است و درج نام وی بر اثر یک اصل شناخته شده است. از همین رو حق انتخاب نام و عنوان اثر، صدور اجازه اولین انتشار (افشاء) و هرگونه تغییر، تحریف اثر و اعمال هرگونه حق مادی از جمله انتشار، تکثیر و عرضه، جز با اراده وی ممکن نخواهد بود.

بر همین اساس، قانونگذار هر آنچه که منطبق با تعریف می‌داند مشمول حمایت‌های مذکور می‌نماید. تا این قسمت و در این مبحث تلاش بر تفکیک حقوق مادی و معنوی اثرهایی است که به تشخیص حاکمیت با اخلاق حسنه و نظم عمومی مغایرت دارد و شاید بهترین گزینه در پیش‌بینی و اعمال امتیازهای قانونی - تحت عنوان حمایت - را بتوان محدود نمودن بخشی از حقوق خالق اثر عنوان کرد، اما یکی از مواردی که مذاقه بیشتری در این زمینه می‌طلبد اصل بیستم قانون اساسی است که برخورداری همه افراد ملت اعم از زن و مرد را از حقوق سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلامی امکان‌پذیر می‌داند. در صدر همین اصل حمایت قانون را برای همه افراد به طور یکسان عنوان می‌نماید. به راستی قید «موازین اسلام» در برخورداری از حقوق افراد را باید با انطباق این حقوق در مرحله شناسایی، در مرحله اقدام یا در مرحله اعمال آن‌ها سنجید؟! آنچه که به نظر در برخورداری این حقوق در اصل مذکور می‌توان

ملاحظه نمود، هر سه مرحله یعنی شناسایی، احترام و اعمال را در برمی‌گیرد، اما این موضوع در مورد اصول اسلامی که مشخص و معین می‌باشند و تشخیص و رعایت آن‌ها نیز راحت‌تر و لازم است با مشکل مواجه نیست، ولی اشکالی که پیش خواهد آمد در انطباق هریک از مراحل پیش با فروع دین خواهد بود که در آن‌ها تشخیص و بیان دیدگاه‌ها بین صاحب‌نظران و مراجع دینی متفاوت می‌باشد که با توجه به این تفاوت نظرات در فروع دین، شاید بهترین راه حل، مقیدنمودن حقوق و آزادی‌های فردی در مرحله اعمال است که نه تنها نمی‌توان تشخیص و اعمال را به افراد سپرد، بلکه برای جلوگیری از اعمال سلیقه نیز باید به موجب قانون محدودیت‌های لازم را پیش‌بینی نمود.

آنچه که به عنوان اثر مبتذل، مستهجن، مغایر اعتقادات دینی و سایر آثار مخل نظم عمومی در جامعه ملاحظه می‌گردد یا توسط پدیدآورنده ایرانی در داخل کشور تولید شده است و یا این‌که به دست یک خالق دیگر در خارج از مرزهای کشور به وجود آمده است، اما وجه اشتراک این آثار آنست که هر دو نوع این آثار با وجود این‌که به لحاظ بایدها و نبایدهای قانونی یا عرفی مجوز انتشار اثر را نداشته‌اند، اما در دسترس عموم قرار گرفته‌اند و امکان تکثیر و انتشار آن‌ها نیز به دلیل عدم حمایت از پدیدآورنده آن‌ها در کشور به راحتی وجود دارد. پس با وجود تصمیم دولت‌ها بر عدم حمایت از اثر مغایر نظم عمومی و اخلاق حسنه، هدف اصلی یعنی عدم انتشار، خرید و فروش، عرضه، تکثیر، اجرا و... این آثار همچنان محقق نمی‌گردد و در دسترس عموم قرار گرفتن آثار به دلیل حمایت از این آثار نبوده است. این‌جاست که با نگاهی به خلأهای قانونی یا اجرایی متوجه می‌شویم که می‌توان یک اثر را با دو وصف حقوق مادی و معنوی اش پذیرفت. اگر اثر در در استای تقویت نظم و اخلاق به وجود آمده باشد، خالق آن می‌تواند هر دو نوع حقوق مذکور را بدون هیچ مانعی اعمال نماید، اما در آثاری که از نظر شرع، عرف، اخلاق، نظم، امنیت، بهداشت روان و... مغایر شناخته می‌شوند می‌توان اعمال حقوق مادی را به صراحت قوانین و مقررات مکمل، محدود یا ممنوع نمود. البته در این فرض

امکان استماع دعاوی با موضوع نقض حقوق مادی و معنوی آثار مغایر با نظم عمومی صرفاً با رویه قضایی معلوم خواهد شد، چراکه بر خلاف تصور، دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۶۴۵ مورخ ۱۳۷۸/۹/۲۳ صرف نگهداری طرح، نقاشی، نوار سینما و ویدیو یا به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار نماید، در صورتی که معد برای امر تجاری و توزیع نباشد را از شمول ماده ۶۴۰ قانون مجازات خارج و فاقد جنبه جزایی می‌داند.

به عنوان مثال اگر نویسنده یک کتاب با حذف ۱۰ بند، ۱۰ سطر یا حتی ۱۰ لغت از نوشته خود بتواند مجوز لازم برای انتشار را کسب نماید و یا در موردی که نوشته یا کتاب به دلیل مغایرت قسمت‌هایی از آن با امنیت سیاسی، چند سال پس از خلق و با تغییر رویکردهای سیاسی دولت بتواند مجوز لازم برای انتشار را اخذ نماید و یا با تغییر عقیده مؤلف و اصلاح جزئی آن، مغایرت موجود را مرتفع نماید، چرا نباید از حمایت قانونی بهره‌مند گردد و به دلیل عدم حمایت، سایر قسمت‌های اثر که واجد مغایرت شرعی و قانونی نیز نیستند در دسترس دیگران قرار نگیرد و قانون و مجری قانون توان حمایت از اثر را نداشته باشند و از سوی دیگر نتیجه اصلی یعنی عدم انتشار نیز به دست نیاید و اثر در دسترس کاربران به سهولت کپی‌برداری شود، در محیط مجازی منتشر شود و یا نقض عملی حقوق وی با انتشار همان اثر به نام دیگری صورت گیرد.

با عنایت به دلایل و نیازهای ذکرشده تفکیک میان اعمال حق و وجود حق و این‌که برخی از آثار ذاتاً جهت استفاده در امور غیر مجاز خلق نشده‌اند (مثل شعر و موسیقی) لازم است حکمرانان نظارت کافی و کامل را بر توزیع و انتشار آثار به عمل آورند و خروج اثر از حمایت قانونی را راهکار جلوگیری از نشر آثار مغایر نظم عمومی و اخلاق حسنه ندانند، اما لزوم پیش‌بینی این امر را می‌توان به این دلیل دانست که اعتقاد عمومی بر این است که «اخلاق عمومی» و «نظم عمومی» می‌تواند در زمان و مکان متنوع و وابسته به ارزش‌های متداول اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و مذهبی باشد. از این رو اعمال بدون تبعیض آن فقط در موارد مشخص و محدود میسر خواهد بود.

در ماده ۱۷ کنوانسیون برن نیز جهت جلوگیری از سوء استفاده از حقوق پدیدآورنده و در راستای تأمین نظم عمومی چنین مقرر داشته است: «مقررات این معاهده به هیچ صورت به حقوق حکومت‌های کشورهای عضو در بکارگیری تدابیر قانونی یا انتظامی در تجویز نظارت یا جلوگیری از گردش، عرضه و به معرض نمایش گذاشتن هر اثر یا تولید که وفق تدابیر اتخاذ شده، مقام ذی‌صلاح دارای حق اجرای آن است، خدش‌های وارد نمی‌کند.»

شاید این ماده را منحصر به نظم عمومی نخوانند (شاکری، ۱۳۸۹ ش.)<sup>۹</sup> و آن را بی‌ارتباط با امکان سوء استفاده پدیدآورنده از حق انحصاری و عدم عرضه اثر مورد نیاز شهروندان ندانند، اما واقعیت این است که ظرفیت پیش‌بینی‌شده در این ماده جهت تحدید حقوق مادی اثر، زمامداران را با اختیار تام به ارزیابی صلاحیت‌ها و اعمال صلاحیت مرتبط با امنیت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، بهداشت و پیشگیری از بیماری‌ها، اخلاق و عقاید دینی و مذهبی و... سوق می‌دهد و این ظرفیت را امکان اعمال سانسور در نشر آثار می‌خوانند.<sup>۱۰</sup>

اما ملاک این اقدام دولت‌ها در منع یا تحدید حقوق مادی خالق اثر چیست؟ آیا بر اساس ضرورت‌ها یا تشخیص‌های فردی و فارغ از منافع عمومی و برای دستیابی به سود زمامداران می‌توان از انتشار یک اثر خودداری به عمل آورد و آن را بر مبنای صلاحیت اعطایی به دولت‌ها تعبیر نمود.

واقعیت این است که محدود نمودن حقوق و آزادی‌ها توسط دولت‌ها در چارچوب ماده ۲۹ اعلامیه حقوق بشر و بند سوم ماده میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی و نیز مواد ۱۲، ۱۹، ۲۱ و ۲۲ میثاق صرفاً با احترام به اصل قانونیت و اعمال محدودیت‌هایی ضروری برای یک جامعه دموکراتیک، با هدف تأمین حقوق و آزادی‌ها از طریق تنظیم اجرای آن‌ها توسط افراد و پیشگیری از تجاوز آنان به حقوق و آزادی‌های دیگران و نظم و اخلاق عمومی و منافع همگانی مجاز می‌باشد. بنابراین دولت نباید از این حق سوء استفاده نماید. (قربان‌نیا، ۱۳۸۵ ش.) همان‌گونه که پیش‌تر هم آمد قانون اساسی جمهوری



اسلامی نیز در اصل چهلم خود، عدم امکان اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی را از طریق اعمال حق عنوان داشته است و در قسمت اخیر اصل نهم نیز سلب آزادی‌های مشروع را توسط مقامات و به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور ممنوع اعلام نموده است.

از این رو ارزیابی اعمال شرایط پیش گفته و تشخیص نیاز یا ضرورت اعمال محدودیت بر عهده دولت بوده و او موظف است که از طریق سنجش و تعادل فاکتورهای خود از اهمیت نسبی منافع مطلع شود و در صورت احراز این شرایط به اعمال محدودیت دست بزند<sup>۱۱</sup>، اما آنچه در انتهای این فصل طرح آن به نظر ضروری می‌رسد آن است که آیا وقتی ما اعمال محدودیت را صرفاً در چارچوب قانون ممکن می‌دانیم، احصای تمامی مغایرت‌های احتمالی با نظم عمومی و اخلاق حسنه برای قانونگذار ممکن است؟

همان‌گونه که در صفحات قبل ذکر شد، در سایر کشورها از جمله اتحادیه اروپا نیز عدم امکان پیش‌بینی و اعلام تمامی مصادیق مغایرت با نظم عمومی و اخلاق حسنه را تصدیق و اختیار پیش‌بینی و اعمال آن را به دلیل «تفاوت ارزش‌ها» (کسجیان، ۱۳۸۷ ش.) در هریک از کشورها به دولت‌ها واگذار نموده‌اند.

این واقعیت غیر قابل انکار است که نظم عمومی به تناسب منافع عمومی و با توجه به زمان و مکان و تغییر و تحولات دولت‌ها، اهداف آن‌ها و اعضای جامعه و فعالیت‌های ایشان متغیر است و این یک تکلیف لایطاق است که ما انتظار داشته باشیم قانونگذار نظم عمومی فردا را بداند یا قبل از واقعه پیش‌بینی نماید چه نوع تخلفی صورت خواهد گرفت و یا بازتاب اذهان و افکار عمومی در مقابل این عمل چه خواهد بود؟!

با این حال اصل قانونمندی که در مقررات بین‌المللی و یا قوانین سایر کشورها بسیار یاد شده است را باید این‌گونه تعریف نمود که با در نظر گرفتن معیارهای تشکیل نظم عمومی و عناصر متشکله اخلاق حسنه، قانونگذار مکلف است مواردی که به طور مستمر بر اثر دین، فرهنگ و نیازهای جامعه به اصول نظم عمومی و اخلاق حسنه در یک کشور

تبدیل شده‌اند را احصا و اعلام نماید و در سایر موارد چارچوب قانونی را برای تشخیص و نظارت بر تشخیص تناسب میان اقدامات دولت و مغایرت احتمالی و از همه مهم‌تر مرجع دادخواهی و اعتراض به اقدامات دولتی و یا نقض حقوق توسط سایرین را پیش‌بینی نماید.

### نتیجه‌گیری

در مقاله‌ای که از نظر گذشت، سعی نگارندگان بر آن بود تا با ذکر موارد حمایت و انواع آن به لزوم استقرار نظم عمومی و پذیرفتن امکان اعمال محدودیت بر حقوق پدیدآورندگان اثر ادبی و هنری اشاره نماید. از آنچه در این مقاله آمد، نتایج زیر استنباط می‌شود:

۱- نظم عمومی که مفهومی نسبی، متغیر، زمان و مکان محور است به دلیل عدم تعریف و تعیین قانونی، تاکنون قابل احصاء نبوده و در حقوق ایران نیز به همین علت تا به حال در یک پارادایم منطقی و معقول قرار نگرفته و همیشه تشخیص و اعمال آن به مجریان محول شده است؛

۲- با توجه به نوع وظایف و تکالیف محوله به دولت‌ها، اختیارات ویژه‌ای جهت تشخیص و تعیین نظم عمومی و اعمال محدودیت یا سلب آزادی‌ها و اختیارات افراد و حتی تقویت حقوق آن‌ها، به دولت تفویض شده است.

۳- دولت‌ها باید در موازنه منافع عمومی و حقوق افراد با رعایت تعادل و به دور از افراط و تفریط اقدام نمایند و محدودیت‌ها را در حد متعارف و معقول و در پرتو اصولی همچون ضرورت و تناسب اعمال نمایند.

۴- ضوابط و چارچوب محدودیت‌ها در حدی که در قانون به صراحت مشخص شده است، باید قابل اجرا و اعمال توسط دولتمردان بوده و در سایر موارد تشخیص و اعمال محدودیت‌ها با توجه به عرفی بودن مفاهیم نظم عمومی و اخلاق حسنه بر عهده قوه قضاییه مستقل قرار گیرد.

۵- حقوق مالکیت ادبی و هنری به دلیل کمکهایی که به ارتقا و رشد جوامع و انسان‌ها در زمینه‌های فرهنگ، اقتصاد، بهداشت، رفاه و آسایش، امنیت، آگاهی‌رسانی و مشارکت افراد در زندگی اجتماعی، اقتصادی خویش می‌نماید، مورد حمایت نظم عمومی قرار می‌گیرد.

۶- حمایت از حقوق مالکیت ادبی و هنری علی‌الاطلاق نبوده و در جایی که در مواردی همچون آزادی بیان، دسترسی به اطلاعات، انحصارگرایی و سلب آسایش، امنیت، به تقابل با نظم عمومی برمی‌خیزد، مورد تحدید واقع می‌شود.

۷- حقوق مالکیت ادبی و هنری به عنوان یکی از شاخه‌های مالکیت فکری، بررسی ماهوی و کیفی اثر را شرط حمایت نمی‌داند و بر همین اساس اثر به محض خلق مورد حمایت قانونی قرار می‌گیرد و نیازی به ثبت اثر در مرجع مربوطه را هم ندارد. از این رو احراز انطباق همه آثار با نظم عمومی و اخلاق حسنه، جهت اعمال حمایت امری محال می‌نماید.

۸- اگرچه قانون تکلیفی برای احراز انطباق آثار با نظم عمومی و اخلاق حسنه در نظام مالکیت ادبی و هنری عنوان ننموده، اما لازم است که برای حفظ ثبات و امنیت جوامع و رعایت سلامت جسم و جان افراد و با وضع قوانین نظارتی و محدودکننده از اعمال حقوق مادی آثار مغایر با نظم عمومی و اخلاق حسنه جلوگیری به عمل آورد و حقوق معنوی از جمله حق انتساب و نام و... را برای آن اثر به رسمیت شمرد.

۹- عده‌ای که به لزوم انطباق اثر ادبی و هنری با نظم عمومی و عدم حمایت از آثار مغایر با آن سخن می‌گویند از نشر و توزیع این آثار در جوامع نگران هستند، برای شکافتن این دغدغه باید به مصادیق موجود آثار مستهجن و مبتذل شایع در جامعه رجوع نمود و حمایت از حقوق خالق آن را دلیل تکثیر و انتشار آن به شمار نیاورد.

۱۰- با توجه به نوع وظایف و تکالیف محوله به دولت، اختیارات ویژه‌ای جهت تشخیص و تعیین نظم عمومی و اعمال محدودیت یا سلب آزادی‌ها و اختیارات افراد و حتی تقویت حقوق آن‌ها، به دولت تفویض شده است.

## پی‌نوشت‌ها

۱. بند ۲ ماده ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «هرکس حق دارد از منافع مادی و معنوی حاصل از اثر علمی، ادبی و هنری‌اش که خلق کرده حمایت شود.»
2. Public Order
3. Status Desired
۴. قانون حمایت حقوق مؤلفان مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ ش.
5. Human rights and world trade agreements, office of the UNITED ATION high commissioner for human rights. 6.
6. Human rights and world trade agreements. 9.
7. Compulsory License
۸. ر.ک. شاکری، زهرا. (۱۳۸۹ ش.). *تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی کنونی*. مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی - هنری و حقوق مرتبط، ص ۱۸۵.
۹. شاکری، زهرا، همان، ص ۱۹۰.
10. Guide to the copyright and related rights Treaties, administered by WIPO and glossary of copyright and related rights Terms. 2003.
۱۱. "Copyright and human rights" Directorate General of Human rights and legal Affairs council of Europe, September. 2009.

## فهرست منابع

## الف - فارسی:

- اسماعیلی، م. (۱۳۷۹ ش.). *امنیت و شریعت (نظم عمومی در قواعد کلی فقهی)*. کتاب نقد، سال چهارم، شماره چهاردهم و پانزدهم، ص ۱۷.
- امیرارجمند، ا. حبیبی مجنده، م. (۱۳۸۴ ش.). *جایگاه حقوق مالکیت معنوی در نظام بین المللی حقوق بشر. مجله‌نامه مفید*. جلد اول، شماره دوم، ص ۲۱.
- ایزدیار، ح. (۱۳۷۹ ش.). *مرزهای آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ص ۶۵.

بیتانه، م. (۱۳۸۰ ش.). آزادی عقیده و بیان از دیدگاه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و تطبیق آن با اعلامیه جهانی حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، صص ۴۰ و ۴-۲۶۳.

جوان، م. (۱۳۲۵ ش.). مبانی حقوق. تهران: انتشارات آگین، جلد اول، ص ۶۲۳.

جهان‌بزرگی، ا. (۱۳۸۸ ش.). نقش امنیت اقتصادی در حفظ انقلاب اسلامی. فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی. سال پنجم، شماره شانزدهم، ص ۲۱۳.

حبیبی مجنده، م. (۱۳۸۴ ش.). حقوق مالکیت معنوی و حقوق بشر: تعامل‌ها و تعارض‌ها. پایان‌نامه دوره دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، صص ۴-۹۳ و ۲۶۳.

خدمتگزار، م. (۱۳۹۰ ش.). فلسفه مالکیت فکری. تهران: انتشارات میزان، چاپ اول، ص ۲۲۷.

خلخالی، ف. (۱۳۷۹ ش.). آزادی و نظم عمومی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، صص ۱۸۵ و ۱۹۳.

دری نوگورانی، ح. (۱۳۸۸ ش.). تحلیل نظری نقش امنیت ملی در توسعه پایدار کشور. فصلنامه راهبرد دفاعی. سال هفتم، شماره بیست و ششم، ص ۱۷۶.

زرکلام، س. (۱۳۸۷ ش.). حقوق مالکیت ادبی و هنری. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، ص ۳۵.

شاکری، ز. (۱۳۸۹ ش.). تعدیل قلمرو حقوق مالکیت ادبی و هنری در نظام حقوقی کنونی. مجموعه مقالات همایش مالکیت ادبی - هنری و حقوق مرتبط. صص ۱۹۷-۱۶۶.

صادقی، م. خاکپور، م. (۱۳۸۶ ش.). موجبات اعطای مجوز اجباری بهره‌برداری از حقوق مالکیت فکری. فصلنامه مدرس علوم انسانی. دوره یازدهم، شماره چهارم، ص ۱۳۲.

صوفی، م.ن. (۱۳۸۹ ش.). اعمال حق مالکیت در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکز، ص ۱۱۴.

علیزاده، ع-ر. کاویانی، م-ه. (۱۳۹۰ ش.). حق امنیت فردی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره چهل و یکم، شماره چهارم، ص ۲۶۱.

قاضی شریعت‌پناهی، ا. (۱۳۹۰ ش.). *بایسته‌های حقوق اساسی*. انتشارات حقوقی میزان، چاپ چهل و دوم، صص ۵۱-۱۴۸.

قربان‌نیا، ناصر. (۱۳۸۵ ش.). *تحدید حقوق و آزادی‌ها*. مجله فقه و حقوق. سال سوم، شماره اول، ص ۲۰.

کسجیان، ک. (۱۳۸۷ ش.). *نظم عمومی در حقوق اروپا*. ترجمه فیض‌اله جعفری. *مجله حقوقی*. نشریه مرکز امور حقوقی بین‌المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری. شماره سی و هشتم، ص ۱۸۸.

کاتوزیان، ن. (۱۳۷۲ ش.). *حقوق مدنی، قواعد عمومی قراردادها*. تهران: انتشارات بهشهر، جلد اول، چاپ دوم، ص ۱۶۱.

کلمبه، ک. (۱۳۹۰ ش.). *اصول بنیادین حق مؤلف و حقوق مجاور در جهان*. ترجمه علیرضا محمدزاده وادقانی، تهران: نشر میزان، چاپ دوم، ص ۴۳.

گرچی ازندریانی، ع-ا. (۱۳۸۹ ش.). *مبانی حقوق عمومی*. انتشارات جنگل، چاپ دوم، ص ۲۲۰.

گرچی ازندریانی، ع-ا. (۱۳۹۰ ش.). *ده فرمان حقوق عمومی، تأملی درباره اصول و مفاهیم بنیادین حقوق عمومی*. فصلنامه حقوق مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره چهل و یکم، شماره دوم، ص ۲۲۰.

گرچی ازندریانی، ع-ا. (۱۳۹۰-۹۱ ش.). *تقریرات درس آزادی‌های عمومی*. دانشگاه علوم و تحقیقات کرمانشاه، ص ۲۲۰.

گرچی ازندریانی، ع-ا. مرادی برلیان، م. (۱۳۹۰ ش.). *ضمانت اجزای نقض حقوق مالکیت ادبی و هنری در قوانین فعلی ایران: تأملی از منظر حقوق عمومی*. ارائه‌شده در دومین همایش حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ص ۷.

مدنیان، غ. (۱۳۹۱ ش.). *نظم عمومی در حقوق اساسی ایران*. رساله دکترا در رشته حقوق عمومی، دانشکده حقوق پردیس قم دانشگاه تهران، ص ۵۴.

نمک‌دوست تهرانی، ح. (۱۳۸۲ ش.). آزادی اطلاعات و حق دسترسی: بنیان دموکراسی. مجله مجلس و پژوهش. سال دهم، شماره چهل و دوم، ص ۶۷.

هاشمی، م. (۱۳۸۴ ش.). حقوق بشر و آزادی‌های اساسی. انتشارات میزان، چاپ اول، ص ۳۰۹.

ب - لاتین:

Administered by WIPO and glossary of copyright and related rights Terms (2003). Guide to the copyright and related rights Treaties, 96.

Directorate General of Human rights and legal Affairs council of Europe. (2009). copyright and human rights, 6.

Office of the UNITED NATION high commissioner for human rights. (nd). Human rights and world trade agreements. 6.

#### یادداشت شناسه مؤلفان

محمد جلالی: استادیار دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

لادن حیدری: دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران.  
(نویسنده مسئول)

پست الکترونیک: LadanH.1978@yahoo.com



## Public order and the Copyright

*Mohammad.Jalali*

*Ladan.Heydari*

### Abstract

Copyright because of its extensive relationship with the artist and the creative human nature is one of the natural needs and a social necessity no substitute for human life. The social life and exchange of artistic and literary products leads people to make social, political and cultural relationships. In this field, the states as representative of nations, for establishing and maintaining of this relationship, need to make rules for the proper administration, the regulation of social relations, determination and declaration of their rights and duties and, finally, protection of the rights and individual freedoms and the public order. One of the most important tasks that have been undertaken by the government is the regulation and the balance of these rights and freedoms and the protection of key elements of social life such as discipline, security, peace, health and public interest. States excessive favoritism of each of this elements or rights may lead to violation of the rights of individuals or shaking the foundations of the vital life of a government. Hence, the explanation of each of these rights and their assurance and in return, providing of definition of issues ensuring social life including public order and public interest could be solution for resolve of challenges in front of governments.

### Keywords

Public Order, Public Interest, Copyright, Security, Protection, Limitation